

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده الهیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

**فلسفه آفرینش انسان از دیدگاه فلسفه و کلام اسلامی،  
آیات و روایات**

استاد راهنما:

**جناب آقای دکتر کهنسال**

استاد مشاور:

**جناب آقای دکتر فیاض صابری**

نگارش:

**حمیده مصباح**

سال تمصیلی ۸۹-۱۳۸۸



بسمه تعالی .

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان .  
دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: فلسفه آفرینش انسان از دیدگاه فلسفه و کلام اسلامی، آیات و روایات

نام نویسنده: حمیده مصباح

نام استاد(ان) راهنما: آقای دکتر کهنسال

نام استاد(ان) مشاور: آقای دکتر فیاض صابری

دانشکده : الهیات و معارف اسلامی	گروه: فلسفه و حکمت اسلامی	رشته تحصیلی: فلسفه و کلام اسلامی
تاریخ تصویب: ۸۷/۲/۳۱	تاریخ دفاع:	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد <input checked="" type="checkbox"/>	دکتری	تعداد صفحات: ۱۵۳

#### چکیده رساله/پایان نامه :

فلسفه آفرینش انسان، به این معنا که انسان برای چه هدف و کمالی آفریده شده است، اساسی ترین و بنیادی ترین مسأله ای است که ذهن انسان را به خود مشغول ساخته است. پژوهشی که در پیش رو دارید، در پی تبیین این موضوع می باشد. هدف و مقصود ما در این پایان نامه، ارائه تبیینی شایسته و آرامش بخش برای نسل کنونی می باشد؛ چرا که اگر آدمی بداند برای چه هدف و منظوری آفریده شده است و راه رسیدن به آن هدف را بیابد و برای رسیدن به آن تلاش کند، زندگی او معنای حقیقی خود را خواهد یافت و آدمی سعادتمند خواهد شد.

روش تحقیق در این پایان نامه، کتابخانه ای و استفاده از اینترنت می باشد. با مراجعه به کتب اصلی فلاسفه و متکلمین و سپس با مراجعه به تفاسیر و کتب روایی، در پی تبیین عقلی و نقلی این مسئله خواهیم بود و به این نتیجه خواهیم رسید که تنافی ای میان نتیجه اخذ شده از منابع عقلی و منابع نقلی نمی باشد و در هر دو دسته از منابع، به نتیجه واحدی می رسیم.

کلید واژه:	امضای استاد راهنما:
غایت و غرض	
غایت فعل	
غایت فاعل	
افعال خداوند	
آفرینش انسان	
کمال انسان	تاریخ:

این ناقابلی را که لایق پیشکش نیست، تقدیم می‌کنم به:

اهل بیت النبوة و معدن الرحمة

ائمة الهدى و كهف الورى

محالّ معرفة الله و معادن حكمة الله

تامین فی محبة الله و مخلصین فی توحید الله

و تقدیم می‌کنم به:

پدر و مادر بزرگوارم

که مهربان و صبور، یاورم بودند.

با سپاس بی‌پایان از:

اساتید ارجمندم

**جناب آقای دکتر کهنسال**

و حجه الاسلام و المسلمین

**جناب آقای دکتر فیاض صابری**

که دلسوزانه و صبورانه، هادیم بودند

و همه کسانی که مرا در این مسیر، یاری نمودند.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه

### فصل اول: غایت فعل باری تعالی

۶.....	مقدمه
۷.....	اثبات اصل اول: فعل خداوند معلل به غایت و غرض است.
۷.....	اثبات مقدمه اول: حق تعالی فاعل کل است
۸.....	اثبات مقدمه دوم: هر فاعلی غایت دارد.
۱۲.....	اشکالات وارد بر وجود غایت برای هر فاعلی
۱۳.....	پاسخ شبهه طبیعت
۱۴.....	پاسخ شبهه عبث
۱۶.....	پاسخ شبهه اتفاق
۱۶.....	غایت در باری تعالی غایت فعل است یا غایت فاعل؟
۱۷.....	غایت فاعل
۱۷.....	غایت فعل
۱۸.....	اثبات اصل دوم
۱۹.....	رأی اشاعره
۱۹.....	دلایل تفتازانی
۲۱.....	دلایل ایچی
۲۲.....	دلایل فخررازی
۲۵.....	دلایل فضل ابن روز بهان
۲۷.....	ردّ سخن اشاعره
۲۷.....	رأی معتزله

دلائل.....	۲۸
بررسی رأی معتزله.....	۳۰
رأی شیعه.....	۳۱
بررسی رأی شیعه.....	۳۳
رأی فلاسفه.....	۳۴
مقدمات.....	۳۴
۱- غایت فعل و غایت فاعل.....	۳۴
۲- اتحاد فاعل و غایت در مجردات.....	۳۴
بازگشت علت غایی به علت فاعلی.....	۳۵
اعتراض بر یکی بودن فاعل و غایت.....	۳۶
بازگشت علت غایی به علت فاعلی ناتمام بودن تقسیمات غایت را آشکار می‌سازد...۳۶	۳۶
۳- حق تعالی فاعل کل است.....	۳۹
۴- حق تعالی غایت همه اشیاء است.....	۳۹
۵- حق تعالی غنی مطلق است.....	۴۰
۶- حق تعالی ملک حق است.....	۴۰
۷- حق تعالی جواد است.....	۴۰
۸- العالی لایفعل شیئاً لاجل السافل.....	۴۱
۹- اتحاد صفات باری تعالی، مصداقاً و مغایرت آن‌ها، مفهوماً.....	۴۱
۱۰- جواز اطلاق حب و عشق بر باری تعالی.....	۴۱
حاصل رأی فلاسفه.....	۴۲
نتیجه‌گیری.....	۴۶

## فصل دوم: انسان و تکامل

مقدمه.....	۴۹
انسان.....	۴۹

تعریف انسان.....	۴۹
تعریف و ملاک انسانیت از منظر قرآن.....	۵۰
استعدادها و خصلت‌های انسان.....	۵۲
استعدادی که می‌تواند انسان را به بی‌نهایت وجودیش برساند.....	۵۳
مسأله، تنها شکوفا شدن استعدادها نیست.....	۵۳
مراتب وجود انسان.....	۵۴
از جمله اموری که انسان را از بقیه اشیاء متمایز می‌کند.....	۵۵
وابستگی وجود انسان.....	۶۰
اجوف بودن انسان.....	۶۰
مراتب اجوف بودن انسان.....	۶۱
وجود ربطی انسان در فلسفه.....	۶۲
تکامل.....	۶۳
گرایش انسان به سوی کمال.....	۶۳
اشکال.....	۶۴
تکامل انسان در چهار حوزه.....	۶۵
کمال انسان در چیست؟.....	۶۶
نظر عرفا در مورد کمال انسان.....	۶۶
نظر حکما و فلاسفه الهی در مورد کمال انسان.....	۶۷
نظر اسلام در مورد کمال انسان.....	۶۷
تکامل در دل مرگ.....	۶۹
اشکالات در باب مسأله تکامل.....	۶۹
نتیجه‌گیری.....	۷۳



## فصل سوم: شبهات

- ۷۵.....مقدمه
- ۷۶.....آراء مختلف در باب آینده بشریت
- ۷۸.....نقد آراء
- ۷۹.....نگاه‌های بدبینانه به زندگی
- ۸۰.....مختصات روانی انسان پوچ‌گرا
- ۸۱.....ریشه‌های گرایش سارتر به فلسفه پوچی
- ۸۱.....علل پرسش از هدف زندگی و گرایش به پوچ‌گرایی
- ۸۳.....پاسخ به پوچ‌گرایان
- ۹۲.....نتیجه‌گیری

## فصل چهارم: آیات و روایات

- ۹۴.....مقدمه
- ۹۵.....هدفداری آفرینش در قرآن
- ۹۶.....هدف و فلسفه آفرینش انسان چیست؟
- ۹۶.....حیات طبیعی هدف آفرینش نیست
- ۹۷.....با این اوصاف چرا خداوند دنیا را آفرید
- ۹۸.....فلسفه آفرینش انسان در قرآن و روایات
- ۱۰۶.....تبیین معنای نسخ در کلام معصوم
- ۱۲۴.....حقیقت «عبادت» چیست؟
- ۱۲۹.....ایضاحی در باب حدیث کنت کنزا مخفیا
- ۱۳۲.....نتیجه‌گیری

## فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۱۳۴	بحث و نتیجه گیری.....
۱۳۴	تبیین علمی فلسفه آفرینش انسان.....
۱۴۰	تبیین فلسفه آفرینش انسان از دید یک جوان در عصر حاضر.....
۱۴۳	منابع و مأخذ.....
۱۴۳	کتاب‌ها.....
۱۵۳	مقالات.....

## مقدمه

آدمی از زمان کودکی خویش با سؤالات متنوعی روبرو است. این سؤالات از زندگی روزمره وی آغاز گشته، تا جایی که عمیق تر می شود و بنیادی ترین و اساسی ترین سؤالات به سراغش می آید: من چرا آفریده شده ام و چرا آمده ام و باید این همه رنج و مشقت را تحمل کنم و بعد از این، از دنیا بروم؟

پژوهشگران علوم اجتماعی کوشیده اند تا مسائل فوق را با مبانی اقتصادی و اجتماعی توجیه کنند.

اما اگر این دانشمندان به بررسی طبیعت انسانی و امکانات وجودی انسان می پرداختند، در می یافتند منشاء بسیاری از نابسامانی های فردی و اجتماعی به این موضوع مربوط است که انسان امروزی نمی داند اصلاً چرا و برای چه زندگی می کند؟ از کجا آمده و برای چه آمده و به کجا می رود.

مراد از طرح این موضوع، پاسخ دادن به این پرسش است که فلسفه آفرینش انسان چیست؟ به عبارت دیگر، پاسخ دادن به این پرسش که انسان برای رسیدن به چه هدف و کمالی خلق شده است.

ضرورت پرداختن به این مسأله در این امر نهفته است که به علت این که سؤال از فلسفه آفرینش و هدف آفرینش انسان از بنیادی ترین سؤالات است، یافتن پاسخی در خور و سزاوار زندگی را متحول می سازد و سبب می شود به گونه ای زندگی کنیم که لحظه لحظه زندگی ما سرشار از انرژی و امید باشد. این سؤال اصیل ترین سؤالات است و بنیاد و شالوده زندگی آدمی را تشکیل می دهد. اگر این اساس و بنیاد، محکم و استوار نشده باشد، به زودی فرو خواهد ریخت و آدمی سر از پوچی درخواهد آورد.

بنابراین اگر آدمی بداند به چه هدف و کمالی می‌تواند برسد و نقطه کمال انسانی را تشخیص دهد، سپس راه رسیدن به آن کمال را بیابد و برای رسیدن به آن کمال تلاش کند، زندگی او معنای تازه‌ای می‌یابد و سعادت‌مند خواهد شد.

فلسفه آفرینش انسان، تحت عنوان غایت فعل باری تعالی، در کتب فلسفی از جمله شفا، اسفار و حکمة الاشراق و کتب کلامی مانند شرح المواقف، شرح المقاصد و شرح اصول خمسہ مورد مذاقه قرار گرفته است که در این کتب، به تبیین این که آیا خداوند غایتی از آفرینش دارد یا نه، می‌پردازند و فلاسفه و آن دسته از متکلمینی که معتقدند خداوند غایت دارد، به تبیین و تعیین این غایت می‌پردازند.

در تفاسیر و کتب روایی نیز، ذیل برخی از آیات قرآن کریم که دال بر فلسفه آفرینش انسان می‌باشد، به بررسی این مسأله پرداخته شده است.

کتاب‌هایی که در عصر معاصر به به این مسأله پرداخته‌اند می‌توان به کتاب فلسفه خلقت انسان (عبدالله نصری)، فلسفه و هدف زندگی (علامه جعفری) و ... اشاره کرد. هم چنین می‌توان به مقالاتی که در مجلات متعدد به چاپ رسیده است، اشاره کرد؛ مثلاً مقاله کمالات وجودی انسان از محمد شجاعی و کرامت انسان در قرآن از طیبہ صادقی و ... .

البته لازم به ذکر است که ما در این تحقیق، به نحو جامع، علمی و فنی به مسأله پرداخته‌ایم.

در این میان سؤالاتی مطرح خواهد شد که یافتن پاسخ مناسب برای این سؤالات ما را در نیل به نتایج مطلوب یاری خواهد کرد؛ من جمله:

آیا افعال خداوند معلل به غرض است؟ برای بیان پاسخ این پرسش، بایستی به این پرسش نیز پرداخت که:

آیا هر فاعلی غایت دارد؟ در صورت رسیدن به پاسخ مثبت، ثابت خواهد شد خداوند که فاعل است نیز، غایت‌مند می‌باشد. در این قسمت نیز این پرسش مطرح است که:

غایت در خداوند غایت فعل است و یا غایت فاعل؟

پرسش اساسی دیگر این است:

حال که اثبات شد خداوند غایت دارد، غایت خداوند از آفرینش انسان چه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش، می‌توان از دو منظر و دیدگاه عقلی و نقلی به مسأله پرداخت. جهت تبیین با دید عقلی، بایستی آراء متکلمان و فلاسفه مورد مطالعه قرار گیرد و جهت تبیین از منظر نقل، بایستی دید چه آیاتی از قرآن کریم اشاره به بحث غایت خلقت انسان دارد و بعد از یافتن این قبیل آیات، نیازمند تحلیل و تبیین وارد شده از جانب معصومین در باب هر یک از آیات می‌باشیم.

از دیگر سؤالاتی که با آن مواجه خواهیم بود این است که:

انسان دارای چه خصائص و ویژگی‌هایی می‌باشد؟

از میان این ویژگی‌ها، کدام یک می‌تواند انسان را به بی‌نهایت وجودیش برساند؟ به

عبارتی دیگر با توجه به حقیقت وجودی انسان، چه غایتی برای او متصور خواهد بود؟

فرضیه‌های مسأله مورد بحث این است که:

افعال خداوند معلل به غرض می‌باشد و غایت او، عین ذات اوست.

غایت در خداوند، هم غایت فاعلی است و هم فعلی.

غایت انسان، فعلیت و تحقق کامل قوا و رسیدن به اوج کمال است.

آیات و روایات مربوطه، غایت خلقت انسان را رسیدن به مقام عبودیت تبیین می‌کند.

ساختار پژوهش به این صورت است که در فصل نخست، به تبیین عقلی موضوع

می‌پردازیم و بررسی خواهیم کرد که غایت فعل باری تعالی چیست؟ در این فصل، فلسفه

آفرینش انسان، از جانب واجب تعالی بررسی خواهد شد.

در فصل دوم که در حقیقت ادامه تحلیل عقلی موضوع می‌باشد، به بررسی مسأله از

جانب انسان می‌پردازیم؛ یعنی انسان با توجه به حقیقت وجودی خود، چه غایتی می‌تواند

برای خود ترسیم کند تا زندگی او معنادار باشد؟

فصل دوم، ورود به برخی شبهاتی است که در باب چرایی آفرینش انسان مطرح شده است.

پس از بررسی عقلی مسأله، در فصل چهارم، به بررسی نقلی مسأله می‌پردازیم. در این فصل، آیاتی که دال بر فلسفه آفرینش انسان می‌باشد، ذکر شده و تفسیر هر آیه و روایات وارد شده در باب هر آیه مطرح خواهد شد.

در ابتداء هر فصل، به ذکر مقدمه‌ای کوتاه جهت ورود به مبحث جدید، می‌پردازیم و در پایان هر فصل نیز نتیجه اخذ شده از هر فصل، عنوان خواهد شد.

در نهایت، به جمع‌بندی مطالب همه فصول و ذکر نتیجه نهایی اخذ شده از این پایان‌نامه می‌پردازیم.

در پایان می‌بایست یادآور شد که پرداختن به مسأله فلسفه آفرینش انسان، کار بسیار دشواری است. این پرسش، پرسشی همیشگی است و در همه اعصار، روح و روان آدمی را به خود مشغول ساخته است.

مطالبی که در کتب فلسفی و کلامی عنوان شده است، مطالبی کاملاً علمی است و فهم، درک و پذیرش آن برای همه اقشار جامعه میسر نمی‌باشد.

آنچه که در آیات و روایات مطرح شده است، نیز به شدت نیازمند تبیین و تحلیل جدی و اساسی می‌باشد.

عدم پذیرش پاسخ‌های مطرح شده در کتب عقلی و نقلی، از جانب انسان کنونی، نباید مورد مذمت قرار گیرد. انتظار پذیرش این پاسخ‌ها با این شکل از بیان، به نظر انتظار نابجایی است.

انسان کنونی به شدت نیازمند این است که با در نظر گرفتن خود نوعی او و همه شرایط و ویژگی‌هایی که او دارد، پاسخ این پرسش را بشنود.

بنابراین، پرداختن به این مسأله، بسیار حیاتی است و بایستی جهت تبیین بهتر و آرامش بخش این مسأله، تدبیری نو اندیشید.

## فصل اول:

# غایت فعل باری تعالی

## مقدمه

همان‌گونه که ذکر شد، ما در این تحقیق در پی تبیین فلسفه آفرینش انسان هستیم. جهت تبیین این مسأله، با دو منظر می‌توان وارد بحث شد:

هدف باری تعالی از آفرینش انسان چه بوده است؟

انسان چه غایتی برای زندگی خود می‌تواند ترسیم کند؟

در این فصل، فلسفه آفرینش انسان، از منظر اول، مورد بررسی قرار خواهد گرفت که در کتب فلسفی و کلامی نیز، این مسأله، از این دیدگاه مورد بحث واقع شده است؛ یعنی غایت باری تعالی از آفرینش انسان چه بوده است؟

برای این منظور، نخست باید به اثبات دو اصل پردازیم:

- ۱- فعل خداوند معلل به غایت و غرض است.
- ۲- تعیین غایت فعل باری.

جهت اثبات اصل اول، به اثبات یک استدلال می‌پردازیم:

خداوند فاعل است. هر فاعلی غایت دارد. پس خداوند غایت دارد.

سپس اثبات خواهیم کرد که غایت در مورد باری تعالی، غایت فعل است نه غایت فاعل.

در اثبات اصل دوم، به تعیین غایت فعل باری تعالی از دیدگاه اشاعره، معتزله، شیعه و فلاسفه می‌پردازیم.

بنابراین، در فصل حاضر، غایت آفرینش انسان، از دیدگاه کلامی و فلسفی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و رأی مختار در این فصل، رأی فلاسفه خواهد بود که به نوعی جمع میان آراء متکلمین می‌باشد.



## غایت فعل باری تعالی

قبل از ورود به این بحث که غایت آفرینش انسان چه بوده است، باید به اثبات دو اصل

بپردازیم که:

۱- فعل خداوند معلل به غایت و غرض است.

۲- تعیین غایت باری

**اثبات اصل اول: فعل خداوند معلل به غایت و غرض است.**

جهت اثبات اصل اول، باید ثابت کنیم که به طور کلی هر فاعلی غایت دارد. قیاس مسأله به این شکل خواهد بود: خداوند فاعل است. هر فاعلی غایت دارد. پس خداوند غایت دارد.

**اثبات مقدمه اول: حق تعالی فاعل کل است**

حق تعالی فاعل کل است؛ زیرا

۱- ماسوای حق تعالی وجودات امکانی هستند که عین ربط به حق تعالی می‌باشند و حق تعالی وجود مستقل مقوم آنهاست و وجود مستقل، مقوم وجود ممکن و فاعل آن است.

بنابراین چون حق تعالی وجود مستقل است و از حیث کمالات وجودی نامتناهی است و ممکنات نیز در مقام ذات، فاقد وجود و محتاج به علت هستند، پس حق تعالی فاعل کل است.<sup>۱</sup>

---

۱ - لاهیجی، محمد بن جعفر، شرح رساله المشاعر ملاصدرا، ص ۲۲۳.

## اثبات مقدمه دوم: هر فاعلی غایت دارد

جهت بیان ضرورت غایت برای فاعل باید یادآور شد که نسبت علت غایی و غایت با علت فاعلی، این گونه است که غایت با نظر به ماهیتش یعنی وجود ذهنی و تصویری آن، علت فاعلیت فاعل است ( ماهیت بما هی هی، بنا بر اصالت وجود، هیچ اثری ندارد و نمی تواند علت واقع شود.)؛ ذات فاعل وقتی فاعل است که غایت را تصور کند و از تصور آن، اراده در او منبعث گردد و به انجام فعل مبادرت ورزد.

غایت با نظر به وجود خارجی آن، هیچ تأثیری در فاعلیت فاعل ندارد؛ زیرا متأخر از فعل و فاعل است؛ پس وجود خارجی غایت، معلول فاعل است.<sup>۱</sup>

بنابراین: علت غایی آن است که فاعل را بر می انگیزد تا فعلی را انجام دهد و غایت، ما

لاجله الفعل یا ما لاجله الحركة است.<sup>۲</sup>

اشکال: چه گونه می شود یک چیز از نظر ماهیت، علت چیزی باشد و از نظر وجود، معلول آن چیز باشد؟ مگر نه این است که ماهیت و وجود، دو واقعیت ندارند، بلکه یک واقعیت است که هم مصداق ماهیت شیء است و هم عین وجود او است؟

پاسخ: مقصود از این کلام این است که علت غایی به حسب وجود ذهنی، علت علیت

علت فاعلی است و به حسب وجود خارجی، معلول آن است.<sup>۳</sup>

اشکال: این بیان مبتنی بر اصالت ماهیت است.

پاسخ: این بیان مبتنی بر اصالت ماهیت نیست. در اعتبار اول، ماهیت غایت و یا وجود

ذهنی آن، منشأ اثر نیست، بلکه وجود علمی آن منشأ اثر است. وجود علم از آن جهت که با

---

۱ - ابن سینا، الالهیات من الشفاء، ص ۲۹۲؛ سبزواری، ملاحادی، شرح منظومه، ص ۱۲۴.

۲ - شیرازی، سید رضی، درس های شرح منظومه حکیم سبزواری، ج ۱، ص ۷۵۴.

۳ - مطهری، مرتضی، شرح مختصر منظومه، ص ۲۴۸.

خارج قیاس می‌شود، وجود ذهنی است و از آن جهت که یک کمال نفسانی است، وجود علم است. علم مانند شجاعت از حقایق خارجی می‌باشد، گرچه موطن وجود عینی آن، نفس عالم است.<sup>۱</sup>

در واقع، این که گفته‌اند: «علت غایی، علت فاعلی برای فاعلیت فاعل است»، کلامی مسامحه آمیز است. حقیقت این است که: فاعلهای علمی، با وجود نوعی خود، علل فاعلی برای افعال خود هستند؛ آثار و افعال هر شیء، مستند به صورت نوعیه آن شیء می‌باشد نه به صور علمی و اوصاف آن؛ البته چون فاعل علمی است، پس فاعلیتش مشروط به حصول صورت علمی فعل نزد آن است. پس صورت علمی غایت، شرط و متمم فاعلیت فاعل است. فاعل حقیقی فعل، همان صورت نوعیه است و فاعلیت آن با صور علمی و برخی از اوصاف به فعلیت می‌رسد.

بنابراین: مقصود از عبارت «علت غایی، علت فاعلی برای فاعلیت فاعل است»، این نیست که علت غایی حقیقتاً علت برای فاعلیت فاعل باشد.<sup>۲</sup>

اشکال: ممکن است گفته شود ما (مانند اشاعره)، به این علت که قائل به ترجیح بلامرجح هستیم، اصلاً غایت را لازم نمی‌دانیم، تا چه رسد به این که چنین نقشی برای غایت قائل باشیم.

در پاسخ باید اظهار داشت که برخی برای اثبات غایت نداشتن افعال اختیاری و ارادی، به بعضی دلایل سست متمسک شده‌اند. محور دلایل، نفی «محال بودن ترجیح بلامرجح»<sup>۳</sup> است.

---

۱ - جوادی آملی، عبدالله، رحیق مختوم، بخش چهارم از جلد دوم، ص ۳۳۸.

۲ - الطباطبائی، محمدحسین، نه‌ایة الحکمة، ص ۲۳۳؛ سهروردی، شهاب الدین یحیی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص ۳۸۴.

۳ - تحقق معلول بدون علت غایی، ترجیح بلامرجح است. یعنی فاعل بدون انگیزه کاری را انجام دهد، حال آن که انگیزه شرط فاعلیت فاعل است.

یکی از دلایل ایشان، استشهاد به شواهد جزئی است؛ به عنوان نمونه انسان گریزانی که بر سر دو راهی قرار می‌گیرد، یک راه را انتخاب می‌کند بدون هیچ مرجحی. این سخن نادرست است؛ زیرا اولاً؛ استحاله قاعده عقلی با قاعده عقلی دیگر میسر است نه با شواهد جزئی.

ثانیاً؛ بسیاری از امور مؤثر در افعال، از قلمرو ادراک انسان خارج است؛ مانند تأثیری که اوضاع فلکی و مبادی غیبی جهان نظیر فرشتگان در هدایت و حفاظت انسان می‌گذارند. پس انسان گریزانی که یکی از دو راه را انتخاب می‌کند، بی‌شک، مرجحی در کار او وجود داشته است، هرچند انسان آن مرجح را نبیند.

ثالثاً؛ ترجیح بلا مرجح باطل است، چون رجحان یافتن یکی از دو مساوی بدون آن‌که عاملی سبب رجحان یکی بر دیگری شود، به معنای جمع بین تساوی و عدم تساوی است و به منزله جمع نقیضین است.

هم چنین، جواز ترجیح بلا مرجح به معنای جواز ترجیح بلا مرجح<sup>۱</sup> است؛ یعنی رجحان یافتن یکی از دو مساوی بر دیگری بدون علت. بنابراین با جایز دانستن ترجیح بلا مرجح، راه برای اثبات صانع نخواهد ماند.

هم چنین، جواز ترجیح بلا مرجح، در مراتب علمی و استدلال‌های فکری، گذر از مقدمات به نتیجه را قطع می‌کند؛ زیرا نتیجه نیازمند به علت است و مقدمات علت پیدایش نتیجه‌اند. اگر ترجیح بلا مرجح روا باشد، نتیجه بدون نیاز به مقدمات در ذهن پدید می‌آید و نقیض نتیجه هم بدون این‌که نیاز به مقدمه باشد، ممکن است در ذهن ایجاد شود. در این

---

۱ - تحقق معلول بدون علت فاعلی، ترجیح بلا مرجح است. ترجیح وجود ممکن بر عدمش محقق می‌شود، در حالی که مرجحی وجود ندارد. (انکار علیت)